

## ((حج))

### کنگره قیام انسانیت

آدمی این امتیاز غیر قابل انکار را دارد که میتواند جسم و جانش را با تلاشهای ارادی خود و پرورشهای صحیح و عاقلانه، بر وفق قوانین ثابت ژندگی بسازد، ولی متأسفانه پیچیدگی قوانین حیات از یکطرف و هجوم تمایلات و تمنیات گوناگون از طرف دیگر مانع بروز فعلیت این توانائی بوده خصوصاً در دنیای تمدن امروز که در میان انبوه مشکلات همچون موری ناتوان در میان جنگل انبوهی سرگردان است، آثر خطر سقوط تمدن بگوش هوشمندان میرسد؛ زیرا معارف انسانیت و سجایای اشباع کننده روان آدمیت در لحظات احتضار است.

بیشتر مردم روژ اندیشه‌ای جز بچنگ آوردن امتیازات مادی ندارند، و حقایق درست می‌اندیشند، ژبرا خود را برادران بزرگ شمیا-نزه‌ها می‌پندارند و همین فکر معنویت‌سوز است که متمدنهای ماشینی را برای تهیه مواد اولیه و بازار فروش همانند گره‌های گرسنه برای شکار طعمه بچنگهای خانمانسوز می‌کشاند و این دوره وحشتناکترین دوره‌ای است که تاریخ انسانی با آن دست بگریبان است!

تاریخ ادوار گذشته این سنت کلی را برای ما بیان میکند که



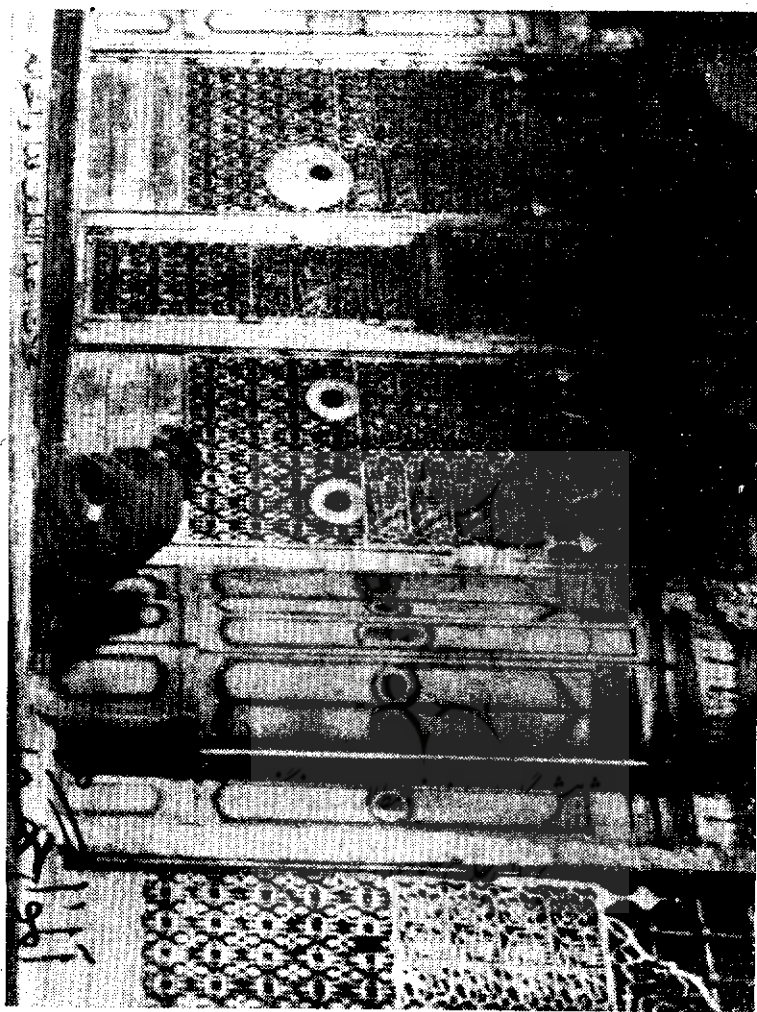
هر وقت آدمی بکمک اختراعات و ایجاد تمدنهای بزرگ خود را از الزامات انسانیت آزاد کرد و خداوند متعال را فراموش نمود، داد گاه صامت خلقت او را بکیفرهای شدیدی مبتلا ساخته و امواج مصائب و بدبختیهای برای او جلو آورده، همچو ماهی که در دام افتاده باشد هر چه بیشتر تلاش کند حلقه‌های دام یکی پس از دیگری محکم‌ترش می‌بندند! جهان متمدن،

کششهای غریزی وصف ناشدنی انسان را بماوراء جو فکری و خارج از چهاربعد زمانی و مکانی ، نادیده گرفت و عشق فطری بزیبائی مطلق و جمال احدیت را که ساژنده نیمهٔ اعلای آدمیت است لگد کوپ نمود دادستان نظام تغییر ناپذیر هستی او را باشکنجه‌های جانکاه و مصائب بی-شماری کیفر نمود و چنانچه در تدارك خطای خویش تسریع نکند مسلماً بسقوط ابدی محکوم خواهد شد

حقیقت دور از افراط و تفریط این است که پرورش نیروهای معنوی و سفتن جوهرهای اشراق و شهود ربانی از عهده روشهای علوم طبیعت بیرون است. بلکه برای پرورش این عوامل فوق زمان و مکان، رهنمای فوق زمان و مکان ، لازم است که با اسلوبهای دقیق ملکوتی آنها را پرورش دهد و شهرهای معرفتشان را نیرومند ساخته تا بسوی غایات فطری شان طیران نمایند .

این جا است که وظیفه مذهب مشخص میشود و آئین جساودانی اسلام باروشهای دقیق روح پرور و اطمینان بخش، دادرسی بشریت است. اسلام برای نجات بشر از با تلاقهای غرور ، خودپسندی ، کبر ، دیومنشی، حسد، تنبلی ، وهمزیستی مسالمت آمیز در افق حیوانی و سایر تمایلات پست ، و برای تعالی روان وی روشهای مختلفی را مقرر داشته که هر يك از آنها برای نجات بشر از خوی حیوانی و رشد و تعالی روانی وی نقش بزرگی را عهده دارند ،<sup>۱۱</sup> و از مهمترین آنها که حائز جنبه اجتماعی شگفت انگیز میباشد فریضه حج است که حقا باید آن را کنگرهٔ قیام انسانیت نامید چنانکه قرآن مجید نامگذاری کرده است :

جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس

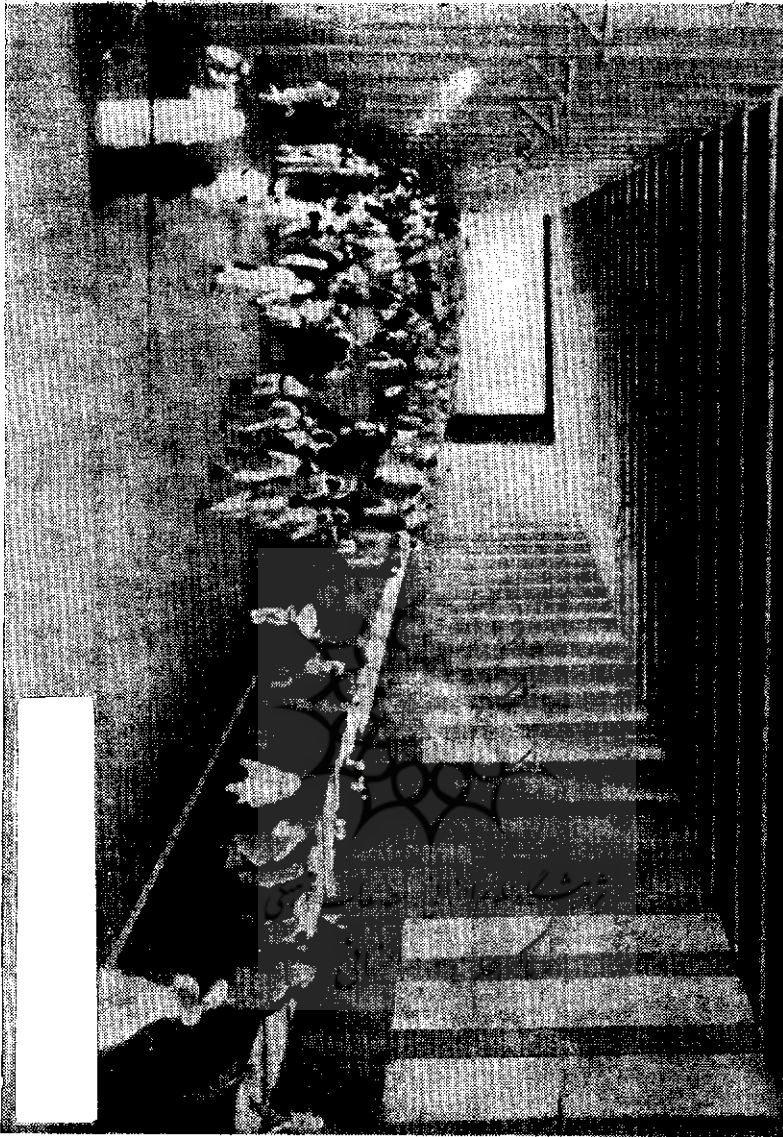


«خداوند کعبه را خانه محترم - و کنگره - قیام انسانیت قرار داد».  
 شهید عظمت و تعالی انسانیت امیر المؤمنین علی (ع) که خود فرزند  
 کعبه است عهده داری فریضه حج را در رشد و تعالی روان انسانی چنین

توصيف مينمايد :

والا ترون ان الله سبحانه اختبر الاولين من لدن آدم صلوات الله عليه  
الى الاخرين من هذا العالم باحجار لاتضر ولا تنفع ولا تسمع ولا تبصر  
فجعلها بيته الحرام الذى جعله للناس قياماً، ثم وضعه باوعر بقاع الارض





بازار بين صفا و مرو

حجر أو اقل نقائق الارض مدراً ، و اضيق بطون الاودية قطراً بين جبال  
خشنة ورمال دمهنة و عبون و شلة . . . ثم امر آدم و ولده ان يشوا اعطافهم

نحوه... من مفاوژ قفار سحیقه و مهاوی فجاج عمیقه .. حتی بهز و امانا کبهم  
ذلالیهلون لله حوله.. ، جعله الله سبأ لر حمته و وصله الی جنته» ( نهج البلاغه  
خطبه قاصعه )

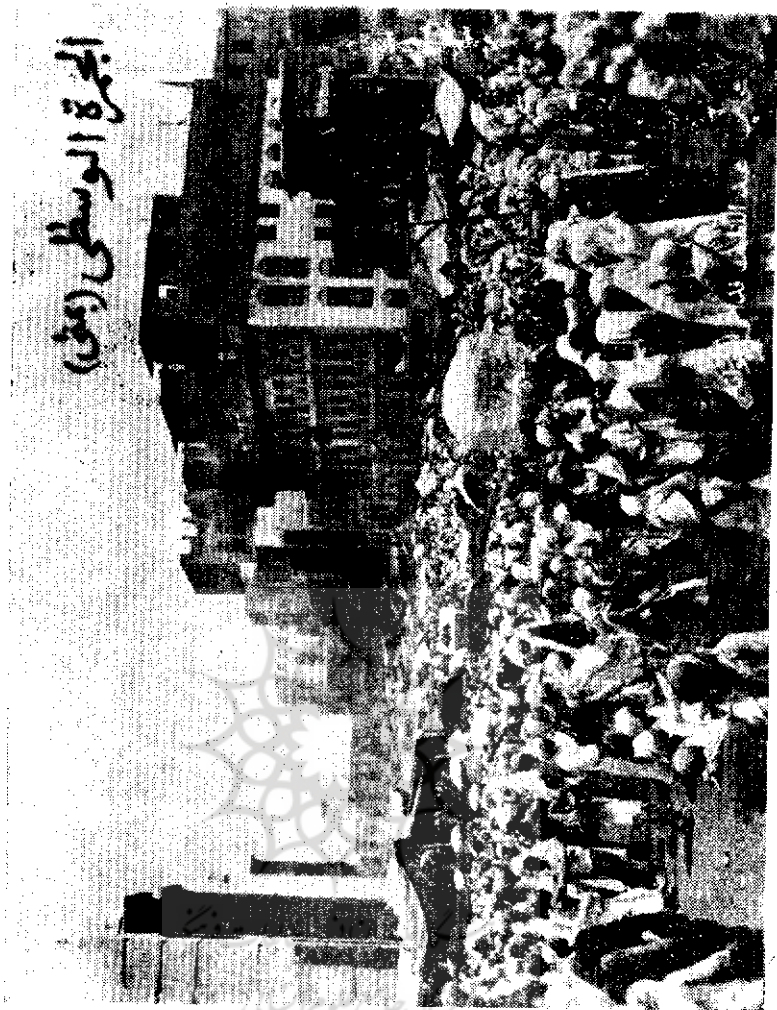
خلاصه منظور آن حضرت این است که : « خداوند متعال  
مردم جهان را بسنگهایی که سود و زیانی ندارند و از شنوائی و بینائی محرومند  
امتحان فرمود باینقرار که آن سنگها را بنام خاتم محترم خویش «کنگره  
قیام انسانیت» ساخت و بنای آن را در سنگلاخترین نقاط و سرزمین کم  
آب و علف که در تنگنای کوههای خشن و آغوش ریگهای سوژان صعب  
العبور و واقعه سد سپس امر فرمود که آدم و فرزندان او از نشیب و  
فراز اقطار جهان با تذلل و خاکساری بسوی آن کوچ نموده و با کمال  
انقیاد و تسلیم در پیرامون آن بندای ملکوتی لبیک گویند تا باینوسیله شاهد  
آرام بخش رحمت الهی را در آغوش جان کشیده و بوصل مینوی جاودانی  
کامیاب شوند »

مهمترین حکمت تشریح این فریضه چنانکه یاد گردید، قیام برای  
انسانیت است باین معنی که صاحبان سرمایه ایمان و شور و عشق بخداوند  
و معنویات بالغاء همه امتیازات اجتماعی در ذی و هیئت واحدی، جهت  
احیاء معارف انسانی در آنجا هر سال یک بار مقررات معلومی را مشق  
کنند و برای گسترش اشراق تعالیم اسلام بعد از کنکاش و شور قیام نموده  
و مردم گرفتار شده باخلاق لذت را بلذتهای اخلاقی عروج دهند اما  
متأسفانه این نکته تشریح بطور کلی از یاد حج گزاران و زعمای اسلامی  
رفته و اسفانگیزتر از همه آنکه زعمای سیاسی اسلام، حتی جرئت خطور



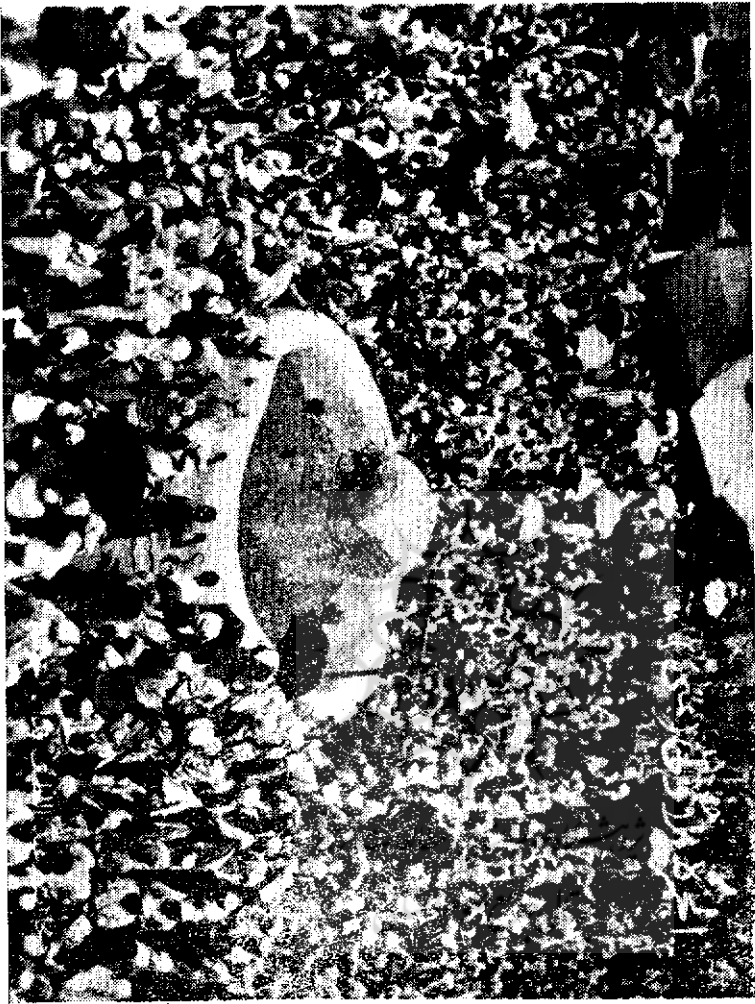
دادن این معنی را در خاطرشان ندارند . . . بعللی که ما و آنها میدانیم . .  
د امر و زما مسلمانان هیچ گزار و زعما و ره نمایان ما که از اقطار  
دنایای اسلام در پیرامون کعبه معظمه جمع میشوند و با ایدان پیوسته و  
دل‌های پراکنده طواف خانه و سعی بین صفا و هروه را انجام میدهم آیا  
شباهت کامل به فلیجهائی که برای مسابقه دو حاضر میشوند ندارند ؟  
مگر قرآن مجید سعی بین صفا و مرو در از شعائر الهی معرفی نموده





### ان الصفا والمروة من شعائر الله

آیا معنی شعائر خداوندی جز مشق انسانیت و قیام از برای انسانیت است ؟ این شوط‌های متکرر انسان را از چهار حصار زمان و مکان بیرون نمیبرد و او را بیاد سرگردانی و حیرانی عرصات قیامت نمایاندازد ؟ این انبوه عظیم جمعیت که در عرفات و مشعر بیتوته میکنند و با زبان‌های مختلف بدعا و نیایش می‌پردازند و آموزاری میکنند، منظره حشر



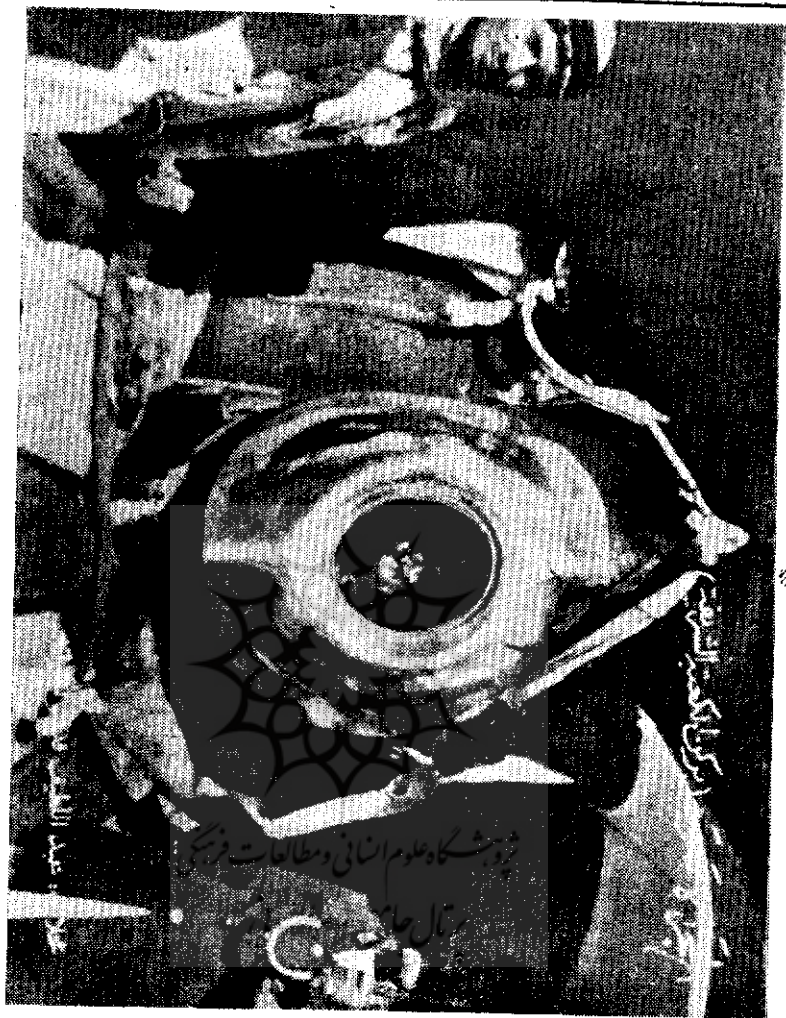
مراسم رمی جمره اول

خلائق را در رستاخیز مجسم نمیسازد و بیننده را بیاد کشته خود نمیاندازد؟

چرا | چرا؟

مزرع سبز فلک دیدم وداس مه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو



حجر الاسود سنگ مقدسی که حجاج آنرا لمس میکنند .

آتش زهد و ریاضت من دین خواهد سوخت

حافظ این خرقه پشمینه بینداز و برو

در روایات اسلامی راجع بر از روی جمره، وارد شده است که

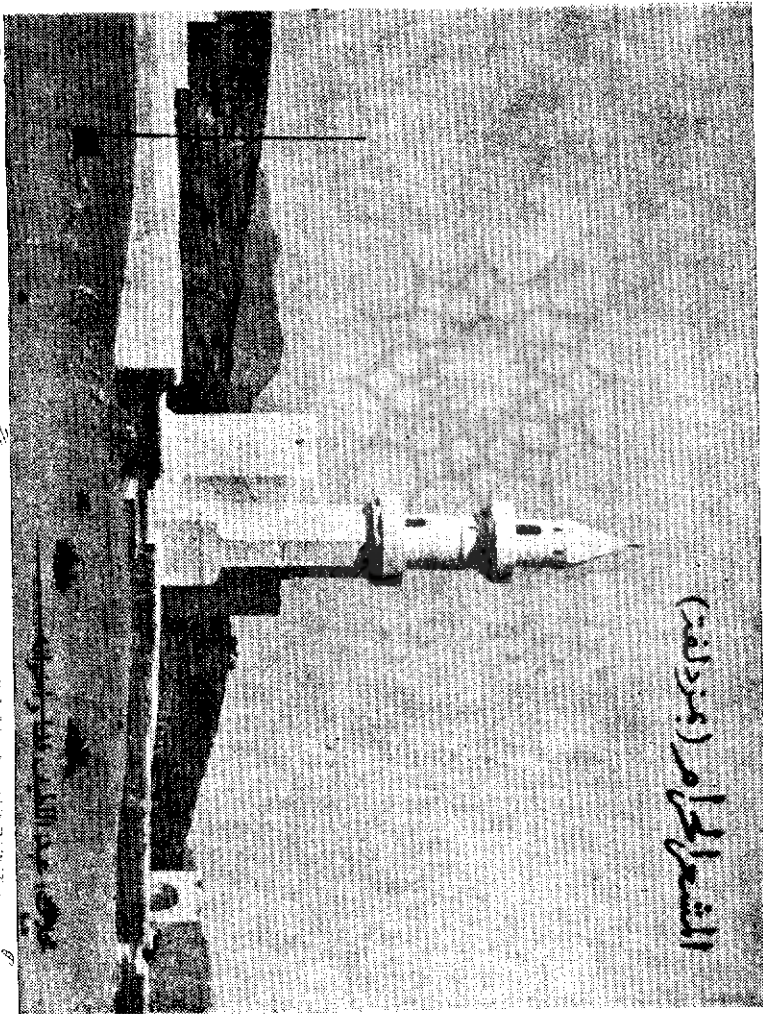
رمزی از حضرت خلیل الرحمن صلوات الله علیه در طرد شیطان و قطع وسوسه

های آن است که باید حج گزار تمرین کند.

آبادر عمر خود حتی يك بار شده كه قصیده طرد شیطان و ذبح  
هوی و هوس از ما ناشی شده باشد؟ نه نه!

اگر مایه ملامت خاطر خوانندگان نمیشد، چند جمله از روضه منوره

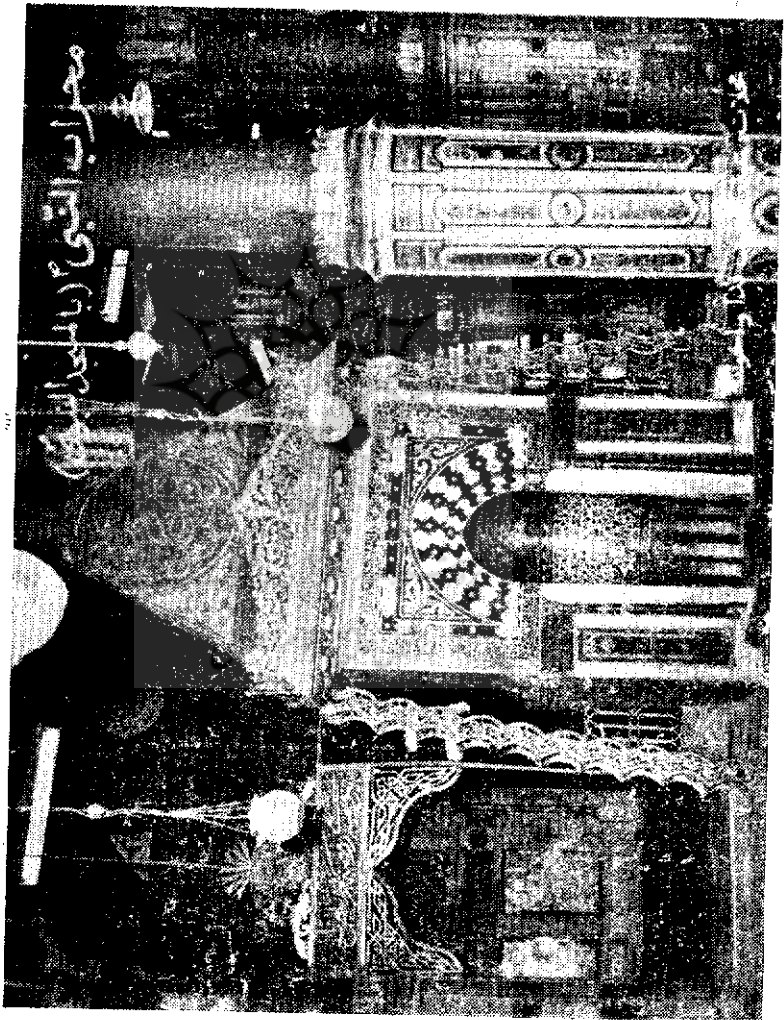
رسول الله (ص) و منظره زیارت باروح و جان خودمان را شرح می‌دادم.

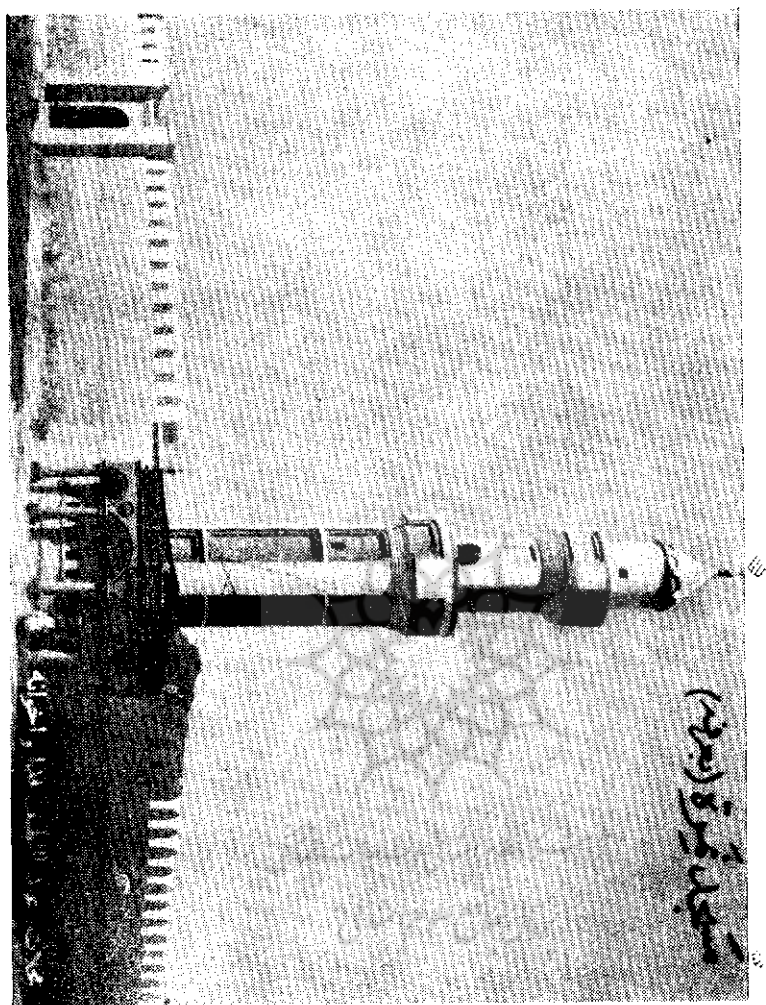


الشعر الحرام (ممنوعه)

امامنا سب‌تر دیدم که چند شعر از استاد مسیحی لبنانی که خطاب بروضهٔ پیمبر اسلام می‌کند بنگارم و خاتمه دهم:

ولقد جمعت حولك يا رسول صحابة بعمائم تزهو على النيجان  
(بشرف آدمیت سو‌کنندای پیمبر گرامی که در پیرامون خویش



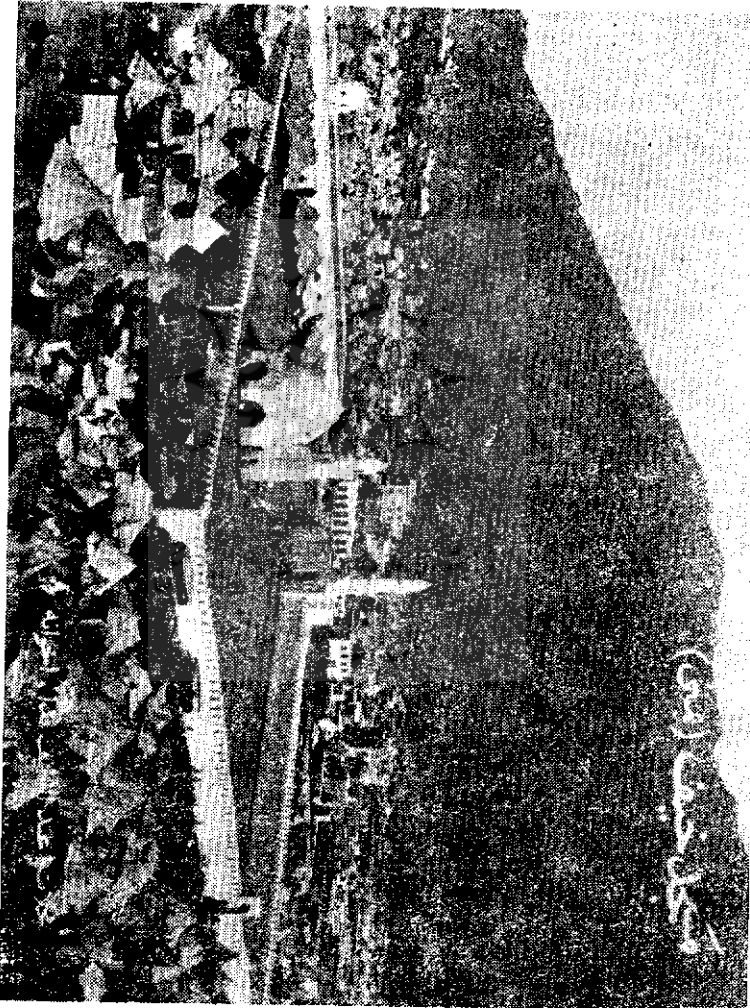


همدمانی جمع نمودی که عمامه‌های آنان بر تاجهای تاجوران برتری داشته‌است.

خشت ملاسهم ولان جوارهم بالعدل فالاعداء کالاخوان  
(پوشش و جامه آنان زبر و خشن بوده اما بانر مش عدالت و داد، دشمنان)

همچو ار را چون برادر ساخته بودند).

تشتی العدالة فی القصور وانت قد اسعدتها بمضارب السربان  
 (عدالت در کاخهای شاهان ناکامی میدیده و عزادار بوده و ظلم و  
 جنایت عروسی داشته تو عدالت را از عزا در آوردی)  
 أمعلم التوحید ا وحدا مة قد فرقتها نعمة الادیان



(ای آموزنده توحید برای وحدت و یگانگی مردمان بر خیز، مردمی که نعره‌های اختلاف دیانت، آنان را پراکنده نموده).  
 يتنازعون على السماء وارضهم في قبضة الرواد والحدثان  
 خنده آورا ست که در امور آسمانی قیل و قال هامی میکنند این بی عرضه مردمی  
 که زمین آباء و اجدادی خویش را برایگان بدشمنان بشریت داده اند!

